



وحیده حمای

مقدمه

بحث و بررسی در هر مقوله ای مرهون داشتن اطلاعاتی علمی و تجربی است، زیرا تحقیق بدون پایه علمی تلاشی بی حاصل خواهد بود. اما پرواضح است که با توجه به نادیدنی بودن جن و تنوع دیدگاه‌های صاحب نظران، نمی‌توان دیدگاه روشن و مرزبندی مشخصی برای تعریف جن و حالات و آثار آنان عرضه کرد. لکن با توجه به اطلاعات موجود علمی (یافته‌های علمی امروز) و به ویژه رهیافت‌های قرآنی در این باره می‌توانیم بخشی از ویژگی‌ها و اعمال و حالات جن را شناسایی کنیم.

باید دانست اعتقاد به دیو، پری و ارواح خبیثه از دیر زمان، در بین ملل عالم وجود داشته است و اطلاق ارواح خبیثه یا ارواح شریره از طرف کسانی صورت گرفته که منکر وجود جن و شیطان بوده و با اعتقادی سست و ناباورانه به آنها لقب ارواح خبیثه می‌دهند. اما آنچه از مراجعه به افکار عموم مردم و بررسی آنها به دست می‌آید بیانگر این نکته است که افکار خرافی و بی اساس بر اندیشه آنان سایه افکنده و آنان را به طرفی سوق داده که جن را موجودی ترسناک، آزار دهنده و حتی شبیه به میکروب بدانند.

جن چیست؟

در حالی که در زمینه انسان شناسی از انسان که جسمانی و دیدنی است، با عنوان «موجود ناشناخته» یاد می کنند، در زمینه جن چگونه شناختی کامل داشته باشیم در حالی که جن موجودی نامرئی و پنهانی است. لذا باید سوار بر مرکب عقل شد و با توجه عمیق به آیات قرآن، قدم در راه شناخت جن گذاشت تا مبادا به بیراه منتهی شود. ما در این مجال کوتاه به بیان برخی از تعاریف، ویژگی ها و نظرات مختلف در مورد جن می پردازیم.

تعاریف جن

جن در فارسی، پری نامیده می شود. اینکه در عرف فارسی «اجنه» جمع جن شمرده می شود از نظر لغوی درست نیست، زیرا «اجنه» چنانکه در قرآن مجید هم به کار رفته است: و اذ انتم اجنة فی بطون امهاتکم (نجم، ۳۲/۵۳) جمع جنین است.

صاحب المنجد «جنّه» را چنین معرفی می کند:

پنداشته اند جن مخلوقی است بین انسان و ارواح (غیر از این دو ماه) و از این جهت به این نام خوانده اند که پوشیده و پنهان از دیدگان است.^۱

راغب اصفهانی ذیل این کلمه چنین آورده است:

«اصل جن پوشیده و پنهان بودن چیزی از دسترس حس است. جنه اللیل و جن علیه معنه: یعنی شب آن را پوشیده داشت و پنهان کرد. اجنه یعنی چیزی بر رویش قرار داد تا پوشیده شود.

مجن و مجنه سپری است که صاحب سیر را پنهان می دارد. چنانکه خداوند در سوره مجادله آیه ۱۶ می فرماید: اتخذوا ایمانهم جنّة: سوگندهای خود را سپری برای پوشاندن چهره های غیرایمانی خود قرار دادند.

درباره اطلاق واژه جن به موجودات نامرئی دو وجه گفته شده:

وجه اول: برای موجودات نامرئی که از تمام حواس ظاهری ما پنهان هستند و نقطه مقابلش انس است و بر این وجه فرشتگان و شیاطین هم جزء آنها خواهند بود.

وجه دوم: جن ها بعضی از نامرئیان هستند زیرا چنانکه می دانیم موجودات روحی سه گونه اند: (۱) گروه اخیار که همان فرشتگان اند. (۲) گروه اشرار که همان شیاطن اند. (۳)

گروه اوساط که از دو دسته اخیار و اشرار در میانشان وجود دارد و این دسته همان پریان هستند که قرآن هم بر این معنی دلالت دارد آنجا که می فرماید: «قل اوحی الی...». (سوره جن، ۱۴۱/۷۲) که اشاره به این دو دسته خوب و بد پریان است.^۲

جن جسمانی نیست

میرداماد در قیاسات گفته است:

حق همان است که حکمای اسلام آورده اند: جن جسم و جسمانی نیست بلکه موجودی مجرد و ماهیتاً مخالف نفوس بشری است و متعلق به اجساد نارثیه هوائیه است و قادر به تصرف در این عالم.

در تهذیب الکلام آورده شده:

حکما برآنند که فرشتگان، عقول مجرد و نفوس فلکیه و جن ارواح مجرد اند که تصرف در عنصریات دارند، همچنین منعی نیست که کل آنها یعنی ملائکه، جن و شیاطین در بعضی احوال بر بعضی دیدگان مشهود و مرئی شوند.

در گوهر مراد آمده:

مذهب متکلمین آن است که ملائکه، جن و شیاطین نیستند مگر اجسام لطیفه که حیات عرضی دارند و قادرند به شکل های مختلف ظاهر شوند و لهذا گاه مرئی اند و گاه نامرئی و چون مرئی شدند به صور و اشکال مختلف مرئی می شوند.^۳

ابن سینا در رساله حدود آورده است:

جن موجود زنده هوایی ناطق (به معنی اندیشنده) دارای جرم شفاف است و به اشکال گوناگون متشکل می شود. تعریف مزبور از وی تعریف به رسم [یعنی به جنس قریب و خاصه] نیست بلکه معنای اسم اوست. (یعنی شرح الاسم

است).^۴

علامه مجلسی می فرماید:

جن عبارت است از موجوداتی عاقل و پنهانی که بر آنها جنبه ناری یا هوایی غلبه دارد و گفته اند نوعی از ارواح مجرد اند.^۵

باید متذکر شد دانشمندان و لغت شناسان این معانی را با توجه به آیات قرآن و

استعمالات مردم استنباط کرده‌اند. به عنوان مثال آیه ۵۰ سوره کهف: و اذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابليس كان من الجن. به یاد آور وقتی که به فرشتگان گفتیم آدم را سجده کن، همگی سجده کردند مگر ابلیس که از جن بود.

چون مأمور سجده آدم، فرشتگان بودند و ابلیس که از این نوع مخلوقات است جن نامیده شده پس فرشتگان نیز جن هستند و از این لحاظ که خداوند آنان را مکلف به اجرای فرمان خویش فرموده معلوم می‌شود اولاً صاحب عقل و ثانیاً مختار آفریده شده‌اند. مرحوم طبرسی در مجمع البیان آورده است:

جن موجودی است دارای جسم نامرئی که اشکال مختلف برخلاف شکل آدمیان و فرشتگان دارند. زیرا ایشان از خاک، ملک از نور و جن از نار آفریده شده است.

باید دانست جنی که قرآن را تصدیق می‌کند خواه در آسمان باشد خواه در زمین، غیر از جنی است که زائیده وهم و خیال آدمیان متصف به رمال و فالگیراند.^۶

آفرینش جن

در این بخش می‌خواهیم نگاهی بر خلقت جن داشته باشیم و برخی از آیات مرتبط با این موضوع را بررسی کنیم.

از آیه ۷۶ سوره ص: قال انا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین، استفاده می‌شود که فرشتگان از نوعی انرژی آفریده شده‌اند، زیرا وقتی ابلیس از سجده آدم سرپیچی کرد علتش را چنین ذکر کرد: من از آدم بهترم زیرا مرا از جنس آتش و او را از جنس خاک آفریدی. همانطور که واضح است ابلیس نوعی از جن و از فرشتگان است. پس نوعی از فرشتگان از نار آفریده شده‌اند.^۷

آیه ۲۷ سوره حجر: و الجان خلقناه من قبل من نار السموم می‌فرماید: انسان را از گل خشک سیاه بد بو و کهنه آفریدیم و جن را از آتش نافذ سموم و او پیشتر از انسان به وجود آمده است.

آیه ۱۵ سوره الرحمن می‌فرماید: و خلق الجان من مارح من نار؛ جن را از مخلوطی از آتش آفرید. پس گرچه حقیقت خلقت جن را نمی‌دانیم، ولی از آیات قرآن به دست می‌آید

که فی الجمله از نیرو و آتش مجهولی آفریده شده است .

اگر در آیات مورد بحث ، مبدء خلقت جن را نار سموم بدانیم با آیه ۱۵ سورة الرحمن که آن را ، ارجی از نار نامیده منافات ندارد ، زیرا مارج شعله‌هایی از آتش است که همراه دود باشد . پس دو آیه ، مبدء خلقت جن را باد سموم معرفی می کنند که مشتعل گشته و به صورت مارجی از آتش در آمده است . پس معنای این دو آیه این می شود : سوگند می خورم که ما خلقت نوع آدم را از گلی خشکیده که قبلاً گلی روان و متغیر و متعفن بود آغاز کردیم و نوع جن را از بادی بسیار داغ خلق کردیم که از شدت داغی مشتعل گشته و آتش شده است .^۸

پس معلوم شد آفرینش جن در اصل از آتش یا شعله‌های صاف آتش است و ابلیس نیز از همین گروه می باشد .

بعضی از دانشمندان از آنها تعبیر به نوعی از ارواح عاقله می کنند که مجرد از ماده می باشند . البته پیدااست مجرد کامل ندارند چرا که چیزی که از ماده آفریده شده است مادی است ولی نیمه تجردی دارد با حواس ما درک نمی شوند و به تعبیر دیگر یک نوع جسم لطیف است .^۹

جن زن و مرد دارد

درباره نر و ماده بودن جن آیات ذیل قابل دقت است : آیه ۳۶ سورة یس آنجا که می فرماید : سبحان الذی خلق الأزواج کلها مما تنبت الارض و من انفسهم و مما لا یعلمون ؛ منزه است آنکه همه ممکنات عالم را جفت آفریده چه از نباتات و چه از نفوس بشر و دیگر مخلوقات که از آن آگاه نیستند .

آیه شریفه می گوید : نباتات و انسان ها نر و ماده دارند و نیز چیزهایی که ما آنها را نمی دانیم . جمله «و مما لا یعلمون» جن را نیز شامل می شود . می توان گفت : جن نر و ماده دارند ولی ما کیفیت آن را نمی دانم و این در صورتی است که مراد از «الأزواج» در آیه مذکور اصناف نباشد .

همچنین آیه ۴۹ سورة ذاریات صریح است در اینکه نر و مادگی در تمام اشیاء عمومیت دارد ؛ و من کل شی خلقنا زوجین لعلکم تذكرون ؛ و از هر چیزی دو نوع بیافریدیم

تا مگر متذکر حکمت خدا شوید. در این آیه نیز جمله کل شی خلقنا زوجین، به طور حتم جنیان را نیز شامل است.

در سوره جن آیه ۶ نیز چنین می خوانیم: و انه كان رجال من الانس يعوذون برجال من الجن فزادهم رهقا؛ و همانا مردانی از نوع بشر بودند به مردانی از گروه جن پناه بردند پس بر گمراهی آنها افزودند. در این آیه نیز جمله «برجال من الجن» مبین آن است که جنیان مردانی دارند.^{۱۰}

بنابر آیه ای که می فرماید: در باغ های بهشت زنانی می باشند که هیچ جن و انسی قبلاً با آنها نیامیخته و جز به همسران خود عشق نمی ورزند. یک نگاه کوتاه آنها عوالم عشق و محبت را دگرگون کرده و حالتی بس نشاط انگیز به وجود می آورد، جن هم آمیزش می کند همچنانکه آدمی آمیزش می کند و مقصود این است که آنچه خدا به مؤمنین آدمیان می بخشد به مؤمنان جنیان هم می بخشد. در هر حال جن و انس هر دو با هم وجه مشترک دارند که خدا خلقت آنها را با هم پیوستگی داده است.^{۱۱}

ابو علی خدا کرمی در کتاب خود مطالبی ذکر کرده است که بی ارتباط با این بحث نیست و ما آنها را فهرست وار بیان می کنیم:

جنیان به صورت خانوادگی زندگی می کنند، دستگاه تناسلی دارند، جفت گیری می کنند، بچه در شکم مادر پرورش می یابد، مدت بارداری کمتر از انسان است و معمولاً از هر شکم بیش از یک بچه متولد نمی شود، رشد بچه سریع است و وضع حمل آنها آسانتر از انسان می باشد.^{۱۲}

آیا جن ظاهر می شود

درباره تجسم و دیده شدن جن، از آیات قرآن چیزی به دست نیاوردیم. ممکن است از قصه سلیمان به دست آورد که جنیان مجسم می شوند؛ زیرا در آیه ۳۹ سوره نمل می خوانیم: «قال عفرب من الجن انا اتیک به... عفربتی از جن گفت: من چنان برآوردن تخت او قادر و امینم...» پس ظهور آن در تجسم است و اینکه برای سلیمان کار می کردند نشان دهنده این است که مجسم شده و آن کارها را می کردند.

ولی تجسم ملک و به صورت بشر در آمدنش، در قرآن مجید صریح است. مثل

تجسم ملک بر حضرت مریم، که مریم پنداشت او جوانی است و می خواهد به او دست بزند آنجا که می فرماید: فارسلنا الیها روحنا فتمثل لها بشراً سوياً (مریم، ۱۷/۱۹) ما روح خود را بر او فرستادیم پس برای او بشری مستوی ظاهر شد.

ولی در اصول کافی داریم که سعد اسکاف آنها را به صورت مردانی زاهد دید و امام باقر (ع) فرمود آنها جنیان اند. ابن جبل نیز جنیان را به صورت هندی ها و دیگران به صورت دیگر دیده اند. ۱۳

علامه مجلسی می نویسد:

خلافی بین امامیه و بلکه بین مسلمانان نیست که جن و شیاطین اجسام لطیف اند که در بعضی اوقات دیده می شوند و بعضی مواقع دیده نمی شوند و حرکات سریع و قدرت بر اعمال دشوار دارند و می توانند در اجساد آدمیان مانند خون جریان پیدا کنند و خداوند آنها را بر حسب مصالح به اشکال مختلف و صورت متنوع در می آورد.

سید مرتضی نیز قائل به همین مطلب است. مشاهده جن از بسیاری از عقلا و اولیاء و ارباب مکاشفات نقل شده است. لذا نفی آن وجهی ندارد چنانکه اثبات آن به ادله عقلیه هم راهی ندارد. ۱۴

پس جن و شیطان از نظر قرآن - مانند فرشتگان - موجوداتی هستند نامرئی، ولی گاهی به صورت متمثل شده و قابل رؤیت می شوند. منظور از تمثل این است که از ماهیت حقیقی خود خارج شوند و تغییر ماهیت بدهند و به حالت های مختلف ظاهر شوند. ۱۵ در ادامه این مبحث مثال هایی از خبرهای مربوط به دیده شدن شیخ را ذکر می کنیم. با نگاه زودگذر به مطبوعات، به انبوهی از اطلاعات دست می یابیم، حاکی از آنکه هنوز در اروپایی نیمه دوم قرن بیستم موضوعات فراطبیعی می تواند خبرساز باشد. برگزیده ای از عنوان خبرها نمونه هایی به دست می دهد که در آنها نخست صحبت از اشباح و ارواح خبیث است:

- بازگشت به وطن برای دیدار با یک شیخ. ملوان با هوایما از جزیره مالت باز می گردد. شیخ سیاه و سفید بی سری که مزاحم همسر وی بود، سه فرزند او را کتک زده است. - مردها شبخی را با دامن آهاردار در قصر دیده اند. قاضی اظهار داشت که کت های

مردها خود به خود از روی دوششان ناپدید می شود.

- وقایع عجیب در خانه خانم بارون، کشیش سعی می کند با خواندن دعا شیخ را دور سازد.

- ارواح خبیث توی خانه اند. پنج شب متوالی کسی نخوابیده، حوادث و سرو صدای عجیب و غریب سبب می شود که یک تاجر زغال سنگ از ساختمان باشگاه بیرون رانده شود.

این گونه باورها گاهی هم مهر تأیید افراد بلند پایه و صاحب نام را بر خود دارند:
- استاد دانشگاه آکسفورد می گوید: «خانه های جن زده واقعاً وجود دارند. اشباح مرده ها و زنده ها: نقش بلور بینی (نقل از گزارش یک سخنرانی)

۱- ب. کانن از دانشگاه آکسفورد می گوید که: اعتقاد عمیقی به وجود فرشتگان، و به همین جهت، به وجود دیوها یا ارواح خبیث دارد. او معتقد است که بسیاری از بیمارانی که در بیمارستان ها بستری هستند در واقع دچار بیماری روانی نیستند، بلکه شیطان در جلد آنها رفته است. ۱۶

جن آدمی را گمراه می کند

در تعدادی از آیات قرآن کریم بیان شده که جنیان همانند انسان مؤمن و کافر دارند. همچنانکه خدای تعالی در جای دیگر جن را گمراه کننده بشر معرفی می کند. در آن روز که همه را جمع و محشور می سازد، به آنها گفته می شود: ای جمعیت شیطان و جن شما بسیاری از انسانها را گمراه ساختید. پیروان آنها از انسانها می گویند هر یک از ما دو گروه، از همدیگر استفاده می کردیم یعنی ما به لذت هوس آلود دنیایی رسیدیم و آنها بر ما حکومت کردند و به اجلی که بر ما مقرر داشته بودی رسیدیم.

پس خدای تعالی در سوره انعام آیه ۱۲۸ می فرماید: آتش جایگاه جاودانه شماست تا آن زمان که خدا بخواهد.

این آیه درباره خطابی است که در روز رستاخیز به جن و انس اعلام می شود و ولایت بعضی از ستمکاران را بر بعضی دیگر تفسیر می کند مانند ولایت شیطان بر کفار، همچنانکه اهل کفر خودشان در قیامت اعتراض می کنند که اگر معصیت کردند و یا به

خدا شرک ورزیدند به سوء اختیار خودشان است .

همان طور که ستمگران در این دنیا حامی یکدیگرند و در مسیر غلط همکاری نزدیک داشتند، در جهان دیگر همگی آنها به یکدیگر واگذاشته شده و از همکاری که با هم داشتند در یک مسیر به کیفر خود خواهند رسید .

از این آیه معلوم می شود که هر دو گروه جن و انس خطا کار بوده، یکی گمراه کننده و دیگری مطیع و تسلیم گمراهی بوده است و کار آنها به جایی می رسد که در دار آخرت یکدیگر را لعن کرده و با عناوین گوناگون به هم دشنام می دهند . چنانکه خدای تعالی می فرماید: داخل شوید در آتش، در صف، امت هایی که پیش از شما می زیستند در حالی که امتی که داخل آتش می شوند هم مسلک های خود را لعن می کنند تا همگی با ذلت در آن قرار گیرند .

همین که همگی در آن جا جمع شدند پیروان به پیشوایان خود در حالی که خدا را شاهد می گیرند می گویند: «اینها بودند که ما را گمراه ساختند پس کیفر آنها را از آتش دو برابر کن . (کیفری برای گمراهی اش و کیفری به جهت گمراه ساختن) سپس به آنها گفته می شود برای هر کدام از شما عذاب مضاعف است ولی نمی دانید . (اعراف/۳۸)

نباید فراموش کرد گمراه کنندگان آدمی چه از سنخ جن و چه از رهبران انس باشند، هر دو محکوم به کیفرهای شدید از طرف خدای تعالی هستند و گویا می خواهند در پایان حساب از هم انتقام بگیرند .

بنابر بیان آیه ۲۹ سوره فصلت، کافران به زودی در آتش خواهند گفت: پروردگارا آن شیطان های جن و انسی که ما را گمراه ساختند به ما نشان بده تا از پای خود لگدمال کنیم تا دلیل ترین مردم شوند . مراد از این گمراهی شیطان های جن و انس هر فردی از جن یا انسان های شیطان صفت هستند که راه و روش کفر و گمراهی ایجاد کرده اند . لذا گمراه شدگان آرزو دارند که آنها را زیر پای خود در درکات پایین آتش بیندازند و پایمالشان کنند تا به شدت پست و خوار باشند . ۱۷

خرافه هایی درباره اهمیت و عملکرد جن

مردم عوام خرافات زیادی درباره این موجود ساخته اند که با عقل و منطق سازگار

نیست؛ از جمله اینکه آنها را با اشکال عجیب و غریب، وحشتناک و موجوداتی دم دار و سم دار، موزی و پرازار، کینه توز و بدرفتار که ممکن است از ریختن یک ظرف آب داغ در یک نقطه خالی، خانه‌هایی را به آتش کشند تعریف می‌کنند.^{۱۸}

گروهی از دعانویشان اهل فنون و جادو و طلسمات مدعی آن هستند که از انسان‌های جن زده یا مکان‌هایی که در اشغال یا آماج حملات جنیان هستند و فی‌المثل از بیرون آنها به دورشان سنگ انداخته می‌شود، یا اشیاء جا به جا می‌شود، یا چیزهایی در گوشه و کنار، خود به خود شعله‌ور می‌شوند رفع مزاحمت می‌کنند.

بعضی از جن‌گیرها حتی در یافتن اشیاء مسروقه و شناسایی دزد از طریق آئین خاص - آینه بینی - عمل می‌کنند و طلسمات و دعاهایی خاص به مشتریان خود می‌دهند.

همچنین گفته می‌شود بین بعضی از جنیان و بعضی از انسان‌ها روابط عاشقانه یا جنسی وجود دارد، فی‌المثل گویند دختر پادشاه جنیان عاشق فلان شخص شده است و برای او خدمات محیرالعقولی انجام می‌دهد. نیز اصطلاح «تخم جن» شاید اشاره به این دارد که ممکن است کودکی حاصل این گونه روابط جنسی باشد.

همچنین این اعتقاد وجود دارد که جن از «بسم الله» می‌گریزد و هنگام ورود به مکان‌های تاریک و خوف‌انگیز به این قصد و برای در امان ماندن، بسم الله گفته می‌شود و نیز گفته شده است که از هنگام غروب و به بعد، مخصوصاً در شب‌های جمعه نباید آب جوش به زمین پاشید زیرا ممکن است فرزندان جنیان بسوزند. یا به کسی که نابه هنگام و بدون بسم الله از زیر درخت میوه‌دار یا جاهای خوفناک مثل خرابه‌های تاریک یا حمام‌های تو در تو قدیمی گذشته (عبور کند) و حالش بد شود، می‌گویند دچار بی‌وقتی شده است و برای او دعا می‌گیرند تا شفا یابد.

همچنین در فرهنگ عامه، نوعی از جنیان یا پریان به نام «آل» هست که به زن زائو یا نوزاد او آسیب می‌رساند و تدابیری برای حفظ آنان هست که جمله نگه داشتن زن زائو، نیز گرفتن و به همراه داشتن دعا و حرزهای مخصوص.^{۱۹}

نگاهی درباره جن

در این بخش بعضی از گزاره‌هایی که در مورد جن شایع است ذکر می‌کنیم بدون

اینکه به بررسی نهایی در مورد خرافاتی بودن یا نبودن آنها پرداخته و نظر دهیم:
فرشتگان غذا نمی‌خورند و ازدواج نمی‌کنند، ولی جنیان غذا می‌خورند و ازدواج
می‌کنند. ۲۰ در روایات آمده طایفه جن از باقیمانده غذای انسان و از مغز استخوان استفاده
می‌کنند.

ابن بابویه نقل می‌کند:

گروهی از جن نزد پیامبر آمدند و طلب غذا کردند، حضرت استخوان و بازمانده
غذا را به آنها عطا کرد.

جنیان در فضا و زمین آزاد هستند، بعضی از جنیان به بعضی کرات می‌روند، اگر به
دیگر کرات نمی‌روند به عدم اجازه آنها برمی‌گردد یا مساعد نبودن شرایط جوی کره برای
آنها. طول عمرشان بیشتر از انسان است، مرگ دارند، جسمشان فانی می‌شود، احتیاج
به قبرستان ندارند، بلوغ دارند، سرما و گرما و درد را حس نمی‌کنند، کار و شغلی ندارند،
نوعی قوه دافعه دارند که بشر وقتی به آنها نزدیک می‌شود ناخودآگاه از بشر دور می‌شوند.
قوه دید آنها از ماده عبور می‌کند. مثلاً می‌توانند از یک طرف زمین، طرف دیگر را
ببینند. بعضی از انسان‌ها می‌توانند آنها را ببینند چون از ماده هستند. اکثر حیوانات و
جانوران، آنها را نمی‌بینند و برایشان عادی است و از این رو به آنها حمله نمی‌کنند و
می‌توانند به هر صورتی که باعث وحشت بشر نشودند خود را به انسان نشان دهند، آنها
می‌توانند به صورت حیوانات در بیایند، همچنین به شکل انسان یا حیوانی که انسان با آن
مأنوس است.

بشر نمی‌تواند آنها را بکشد، شبح‌های که در خانه‌ها به مردم آزار می‌رسانند از همین
جنیان اند. (چنانکه مثال‌هایی از این نوع در بخش‌هایی قبلی ذکر شد) اعمال زشت بشر
سبب صدمه به آنها می‌شود و از طرف خداوند اجازه اذیت کردن می‌یابند. از قبیل،
ترساندن، آفت، بلا و غیره.

جن زدگی سبب مریضی و دیوانگی می‌شود. وقتی روح ضعیف شود جنیان رخنه
می‌کنند. برای دوری از جن باید به خدا توسل جست. جن به محض شنیدن ذکر و ورد
فرار می‌کند.

جنیان می‌توانند از در و پنجره بسته عبور کنند و این عمل به علت نداشتن عنصر

خاکی است. قوه طی الارض دارند، و سرعت حرکت آنها کمی از روح کمتر است. آنها نمی توانند به خورشید نزدیک شوند، چون اشعه آن، آنها را اذیت می کند. هر جایی که هوا بتواند عبور کند، جنیان می توانند عبور کنند. با یک نوع تله پاتی افکار را می خوانند ولی آینده انسان را نمی توانند پیش بینی کنند، در صورتی که اجازه داشته باشند قوه تلقینی به آدمیزاد را دارند. قوه خلاقه ندارند. هر چه دارند ذاتی است و تا به حال ذکر نشده که از خود چیزی اختراع کنند.

هوش آنها بسیار زیاد است. جنبه تقلیدی آنها بسیار قوی است. چون همیشه با ما در تماس هستند به همه زبان ها آشنا می باشند. معایی که بشر دارد آنها ندارند. روزی که خداوند بشر را خلق کرد فاصله ای بین جن و بشر قرار داد که جنیان بدون اذن خدا اجازه نزدیک شدن و آسیب رساندن به آدمیان را ندارند.

تحت شرایط خاص تسخیر جن صحیح است و راهی مخصوص دارد اما کار شایسته ای نیست. زیرا انسان را از راه حقیقت دور می کند.

آدمیان به اراده خودشان می توانند آنها را ببینند و لمس کنند. از آنها می شود عکس گرفت به شرطی که خودشان به این کار راضی باشند.

تسخیر جن اگر به اذن خدا باشد می توان جن را به هر کاری واداشت، ولی تسخیر جن گیرا و جادوگران محدود است، آنها دارای روح و نفس هستند، سیر کمال دارند. منتها دامنه سیر کمالشان کمتر از انسان است. قواعدی برای تکمیل روح و اتمام حجت دارند.

از بین خودشان پیامبر ندارند و باید از دستورات پیامبر آدمیان پیروی کنند. ادیان حقیقی را می پذیرند.^{۲۱}

نتیجه گیری

در مجموع با توجه به مطالب ذکر شده درباره جن به این نتیجه می رسیم که متأسفانه آنچه بر افکار مردم سایه افکننده و گاه آنها را دچار رعب و وحشت می کند، خرافه ای بیش نیست و روشن است میان تعالیم قرآن و عقاید مردم فرسنگ ها فاصله است چرا که قرآن هدف از خلقت جن را عبادت معرفی می کند. آنها زندگی و ویژگی های مختص به

خود را دارند، گرچه در زمینه‌هایی با انسان وجه اشتراکی دارند ولی صرفاً برای ترساندن و گمراهی بشر آفریده نشده‌اند.

۱. ناصر مکارم و جمعی از دانشمندان، تفسیر نمونه، ۷۹/۱۱، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۲. راغب اصفهانی، مفردات، ۳۹۰/۱، مرتضوی، ۱۳۴۳.
۳. عبدالرزاق، گوهر مراد/ ۳۳۲.
۴. ابن سینا، حدود/ ۲۷، سروش، ۱۳۶۶.
۵. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ۶۱/۶۳، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
۶. عباسعلی محمودی، ساکنان آسمان/ ۴۶-۶۰، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹.
۷. علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ۶۹/۱، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۸. محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ۲۲۴/۱۳، گلشن، ۱۳۶۷.
۹. تفسیر نمونه، ۱۵۴/۲۵.
۱۰. قاموس قرآن، ۶۶/۱.
۱۱. احمد زمریدیان، شیطان کیست؟/ ۹-۲۳۰، فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.
۱۲. ابو علی خداکرمی، دانستنی‌هایی درباره جن/ ۱۹، روحانی، ۱۳۸۰.
۱۳. قاموس قرآن، ۶۷/۱.
۱۴. بهاء‌الدین خرمشاهی، قرآن پژوهی/ ۵۹۶، فرهنگ شرق، ۱۳۷۲.
۱۵. دانستنی‌هایی درباره جن/ ۱۶.
۱۶. گوستا و جاهودا، روان‌شناسی خرافات/ ۳۳-۳۴، البرز، ۱۳۷۱.
۱۷. شیطان کیست؟/ ۹-۲۲۰-۲۲۸.
۱۸. تفسیر نمونه، ۱۵۵/۲۰.
۱۹. قرآن پژوهی/ ۵۹۶-۵۹۷.
۲۰. حر عاملی، وسائل الشیعه، ۲۵۲/۱.
۲۱. دانستنی‌هایی درباره جن/ ۱۶-۲۱.